

پژوهش‌های زبانی و ادبیات کاربردی، دانشگاه ولایت ایرانشهر  
دوفصل‌نامه تخصصی، دوره دوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۱۱-۲۶

## طبقه‌بندی موضوعی چیستان در ترکی قشقای

محمدهادی فلاحی\*

ارسالان میرزایی\*\*

راضیه امیری\*\*\*

### چکیده

در پژوهش حاضر به طبقه‌بندی موضوعی چیستان‌های زبان ترکی قشقای پرداخته شد. چیستان‌ها به دلیل اهمیتی که در بازتاب فضای فکری و هویت فردی و اجتماعی یک قوم دارند، از مباحث ارزشمند در مطالعات زبانی محسوب می‌شوند. با توجه به اینکه تاکنون تحقیقات چندانی در این زمینه صورت نپذیرفته است انجام پژوهش‌هایی از این دست ضرورت می‌یابد. جستار پیش رو به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از ۳۲۰ چیستان برگرفته از کتاب «قشقای تاپماجالاری (بو لماجالار) (مجموعه چیستان‌های فولکلور قشقای)» تألیف میرزایی (۱۳۹۶)، انجام پذیرفته است. شواهد به دست آمده نشان داد موضوعاتی چون انسان، روحیات و عواطف انسانی، گیاهان، و خوراکی‌ها، حیوانات و اجزاء حیوانی، عناصر و اجزاء طبیعت، علوم و معارف بشری، ابزار و محصولات بشری و امور روزمره در زندگی عشایری محوریت موضوعات چیستان‌های قشقای را شامل می‌شوند. در این میان، موضوعاتی چون ابزار و محصولات بشری با ۹۴ مورد و پس از آن حیوانات و اجزاء حیوانی با ۵۲ مورد، بیشترین و علوم و معارف بشری با ۱۴ مورد کمترین کارکرد موضوعات مربوط را در میان چیستان‌های قشقای به خود اختصاص داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: چیستان، ادبیات عامه، فرهنگ عامه، گویش، ترکی قشقای.

\* استادیار گروه زبان‌شناسی رایانه‌ای، موسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام (ISC)، شیراز، ایران،

hfalahi2@yahoo.com

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات فارس، مرودشت، ایران،

arsalan.mirzaei@yahoo.com

\*\*\* دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور شیراز، ایران (نویسنده مسئول)،

a.amiri3798@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹

## ۱. مقدمه

آنچه که عنوان فرهنگ عامه یا دانش عوام بدان گفته می‌شود در واقع بازتاب‌دهنده روحیات، ذوق و قریحه، افکار و آداب و سنن اهالی یک مرز و بوم در ادوار گوناگون تاریخ است. به تعبیری دیگر «فرهنگ عامه تاریخ زندگی یک قوم است که از احساسات و عواطف انسان‌ها، از تجربیات و مبارزات و کیفیت معیشت آنها گفت‌وگو و از ظلم و بیداد و از مبارزه درنگ‌ناپذیر محرومان و ظالمان سخن می‌گوید» (عمرانی ۱۳۸۱: ۱). فرهنگ عامه یا دانش عوام معادل واژه فولکلور<sup>۱</sup> ترکیبی از فولک<sup>۲</sup> به معنای «مردم» و لور<sup>۳</sup> به معنای «دانش» است که ویلیام جان تامز<sup>۴</sup> با نام مستعار امبرواز مرتن<sup>۵</sup>، باستان‌شناس انگلیسی برای نخستین بار در سال ۱۸۴۶ میلادی آن را وضع نمود. «انسان‌شناسان و مردم‌شناسان، فولکلور را در دو معنا به کار می‌برند: یکی در معنای وسیع که شامل تمام ادبیات روستایی و جامعه ابتدایی است. که در این مفهوم به فرهنگ قومی نزدیک است. دوم به معنای محدود که مشتمل بر اسطوره‌ها، باورها، ادبیات و روایت‌های رایج و غیر مکتوب است» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۷۴).

فرهنگ عامه بهترین عامل در جهت نزدیکی ملت‌ها و استحکام پیوند دوستی و ارتباط معنوی آنها با یکدیگر است. آشنایی و دوستی ملل جهان با یکدیگر به عنوان ضامن صلح ملل جهان و نابودکننده یا حداقل کاهش‌دهنده دشمنی‌ها محسوب می‌شود. (همایونی، ۱۳۷۱: ۲۲). بنابراین مطالعه، تحلیل و پرداختن به ادبیات عامه در جهت آشنایی با جنبه‌های گوناگون زندگی اقوام و ملت‌ها اهمیتی دوچندان می‌یابد. گاهی گویشوران زبان در جهت نیل به اهداف گوناگون از جمله تعلیم و تربیت، سرگرمی و... از کنایات، تشبیهات و گاه نیز از بیانی شعرگونه بهره می‌گیرند و مسائلی را در پرده‌ای از ابهام و ایهام مطرح می‌نمایند و از این طریق شنونده را در جهت یافتن پاسخ صریح و یا مفهوم حقیقی کلام به تأمل وامی‌دارند. این پرسش‌ها و مسائل آمیخته با رمز و راز چیستان، واژه‌ای مرکب از چیست + آن، و در لغت لغز نامیده می‌شوند و حکایت از فرهنگ، ادبیات و اندیشه یک قوم و ملت دارند. چیستان‌ها از انواع ادبیات شفاهی هستند که با بیانی رمزگونه، مفهومی عمیق در خود نهفته دارند. از چیستان، در مناطق مختلف ایران با نام‌هایی چون تاپماجالار (آذربایجان)، چاچا (بلوچستان)، چا و چه (کرمانشاه)، چنچن (فین بندر عباس) چی چی کا (هرمزگان) و... یاد می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۹۲).

هدف پژوهش حاضر بررسی و طبقه‌بندی موضوعی چیستان‌های ترکی قشقایی موسوم به تاپماجا یا بولماجا است که از نسل‌های پیشین سینه به سینه به نسل حاضر منتقل شده‌اند.

## ۲. چیستان

به گفته شمس قیس رازی نویسنده المعجم فی معاییر اشعار العجم لغز عبارتست از «معنی از معانی در کسوت عبارتی مشکل متشابه به طریق سؤال بیرسند و از این جهت در خراسان آن را (چیست + آن)

1. Folklore
2. Folk
3. Lore
4. W. G. Thoms
5. Ambrose mortonu

خوانند. این صنعت چون عذب و مطبوع افتد و اوصاف آن از روی معنی با مقصود مناسبتی دارد و به حشو الفاظ دراز نگردد و از تشبیهات کاذب و استعارات بعید دور بود، پسندیده باشد و تشحیذ خاطر را بشاید» (شمس قیس، ۱۳۶۰:۴۲۶).

و بنا بر تعریف شمیسا:

«لغز یا چیستان آن است که نام چیزی را پوشیده دارند، اما با ذکر اوصاف آن از شنونده بخواهند که نام آن چیست. در لغز یا چیستان به جای ذکر اسم چیزی، اوصاف آن را بیان کنند و خواننده در ضمن آن اوصاف به مورد وصف پی می‌برد. لغز ممکن است یک بیت یا یک شعر کامل باشد» (۱۳۸۳:۱۷۷).

این گونه از ادبیات شفاهی که در ادوار گوناگون و در میان تمامی اقشار جامعه رواج داشته است سابقه‌ای دیرینه دارد. «کهن‌ترین چیستان‌های جهان که تاریخی بس دراز دارند، چیستان‌های به دست آمده از فرهنگ‌های هلنی، ودایی و سامی هستند. این چیستان‌ها، قبلاً به صورت معماهایی پیچیده آمده بودند. آن دسته از چیستان‌های کهن اولیه که هنوز در مدار زندگی کنونی رواج دارند و کمتر دستکاری و پرداخته شده‌اند، اساساً همان توهّمات استعاری درباره‌ی شایهت میان چیزهای طبیعی را حفظ کرده‌اند» (امام اهوازی، ۱۳۷۹:۲۱).

در ایران نیز قالب ادبی چیستان از جمله کهن‌ترین قالب‌های ادبیات محسوب می‌شود و قدیمی‌ترین اثر در *اوستا* مشاهده می‌شود. در بند ۸۳ - ۸۱ آبان‌یشت مطرح شده است که یوشت<sup>۱</sup> از خاندان فریان<sup>۲</sup>، برای آن‌هایتا تعداد صد اسب، هزار گاو و ده هزار گوسفند قربانی کرد و در قبال آن از آن‌هایتا خواست که وی را در جهت پاسخ به ۹۹ پرسش دشوار اخت<sup>۳</sup> پلید خیره‌سر یاری کند و آن‌هایتا خواهش وی را پذیرفت. در *اوستا* به اصل چیستان‌ها و پاسخ آنها اشاره‌ای نشده است اما صورت پهلوی این چیستان‌نامه با عنوان *مادیکان یوشت فریان*<sup>۴</sup> موجود است (خالقی مطلق ۱۳۸۶:۱۶). به گفته‌ی ذوالفقاری (۱۳۹۲)، از آغاز سرایش شعر فارسی نیز در دیوان عنصری و منوچهری چیستان با عناوین لغز و معما دیده می‌شود. منوچهری دامغانی نیز با ایده گرفتن از چیستان قصیده معروف (لغز) شمع را سرود:

ای نهاده بر میان فرق جان خویشتن جسم ما زنده به جان و جان تو زنده به تن

(منوچهری، ۱۳۷۰:۷۹)

چیستان‌ها را به لحاظ اهداف ساختشان می‌توان در ۳ گروه عمده طبقه‌بندی نمود:

نخستین گروه چیستان‌ها آن‌هایی هستند که هدفشان آموزش برخی مفاهیم ساده مانند امور دینی و خانواده و مسائل روزانه و آداب‌دانی بوده و مخاطب آنها عمدتاً کودکان و جوانان است ... دومین گروه

1. Yoišta
2. Friyan
3. Axtya
4. Friyan, M. Y

آنهايي هستند که صرفاً با هدف سرگرمی و مجلس آرایي استفاده می‌شوند برای مثال چیستان سگ که نشسته بلندتر از ایستاده است... . سومین گروه چیستان‌هایی چون «دُرُج سربسته» در شاهنامه و «بانوی حصاری» در هفت پیکر که معنای نمادین دارند. علاوه بر صورت چیستان‌های ذکر شده می‌توان نوعی چیستان معکوس نیز نام برد که دارای پرسش‌های ساده اما پاسخ‌های رمزی است و صورت چیستان دارد. برای مثال پرسش‌های مطرح‌شده در شاهنامه. بدین صورت که افراسیاب با قصد معکوس از کیخسرو پرسش‌هایی را مطرح می‌نماید که در صورت پی‌بردن به هوشمندی او را بکشد اما کیخسرو با تظاهر به دیوانگی پاسخ‌هایی به ظاهر نادرست می‌دهد اما برخی بر این باورند که در آنها یک معنای رمزی مستتر است (خالقی مطلق، ۱۳۸۶).

سنت چیستان‌گویی و سرایش چیستان در میان خرده‌فرهنگ‌های ایرانی نیز دارای قدمت بسیاری است. چیستان‌گویی در میان ترک‌زبانان قشقایی نیز اهمیت بسزایی داشته است. چنانکه در پرسش و پاسخ مآذون<sup>۱</sup> و عیسی کیخا ایگدر<sup>۲</sup> نمونه‌هایی از چیستان مشاهده می‌گردد:

سوال: مجلسی گووردوم عالم اولور باده نوش، شهریستان گورموشم تمامی خاموش، گاه ساری، گاه یاشیل، گاهی سیه پوش، یئری مز صنعتی هادا گوروبسنگ؟

mædʒlis gærdum alæm olur bade nu:ʃ, ʃæhristan gærmuʃæm tæmami xamuʃ, gah sari, gah jaʃil, gahi sijæh puʃ, jyri mæz sænʔæti harda gæruʃsænʔ

برگردان: مجلسی دیدم که همه عالم باده نوش آن است، شهرستانی را دیدم که همه ساکنین آن

خاموش اند، گاهی زرد، گاهی سبز و گاهی سیاه پوش، این چنین صنعتی را تو کجا مشاهده کرده‌ای؟

جواب: اجل مئی دیر عالم اوولور باده نوش، او شهر قبریستان دیر تمامی خاموش، او داغ دیر، یاز

یاشیل، قیشی سیه پوش، فاییز گونو سارالیبان خزاندیر. (میرزایی، ۱۳۹۶)

ædʒæl meʃ dir alæm olu:r bade nu:ʃ, o ʃæhr qæbristan dir tæmami xamuʃ, o daq dir, jaz jaʃil, qifi sijæh puʃ, fajiz goenu saraliban xæzandir.

برگردان: آن می، اجل است که همه عالم باده نوش آن شوند، آن شهر قبرستان است که همه

ساکنین آن خاموش‌اند، آن که گفתי کوه است، بهارش سبز، زمستانش سیاه و در هنگام پاییز زرد و خزان است.

۱. سید محمد ابراهیم، متخلص به مآذون (۱۳۱۳-۱۲۴۶ ه. ق) بزرگترین شاعر ترک‌زبان قشقایی، منشی و مکتب‌دار بزرگان و ایلخانان قشقایی در عصر قاجار بوده است. او به تبعیت از سایر شاعران هم‌عصر خود سبک بازگشت ادبی را برمی‌گزیند اشعار زبان ترکی وی در قالب‌های گرایلی (۸ هجایی)، قوشما (۱۱ هجایی)، شاه ختایی (۱۵ هجایی)، یوسفی (۲۴:۱۳۹۰) با مضامینی چون مدیحه، هجو، طنز، عاشقانه و... بوده‌اند. لازم به ذکر است در میان سروده‌های وی اشعاری به زبان فارسی و گویش لری نیز به چشم می‌خورد.

۲. از بزرگان طایفه ایگدر و فردی صاحب‌فضل در زمان قاجار و هم‌عصر مآذون بوده است.

چیستان‌های قشقایی با اهداف گوناگون و از بطن زندگی عشایری نشئت گرفته و با به کارگیری آرایه‌های ادبی گوناگون، بیانی شعرگونه و آمیخته با طنز، مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی، دینی و... را به دیگران القا می‌کنند.

### ۳. قوم ترک‌زبان قشقایی

ایل قشقایی در ادوار مختلف، از حاشیة سرزمین ایران بزرگ، به فلات فعلی ایران وارد شده و از قرن‌ها پیش در جنوب ایران ساکن شده‌اند. تاریخ دقیق مهاجرت آنها به جنوب ایران، مشخص نیست و روایات بسیاری در باب آن بیان شده است. آنچه که مبرهن است ایل قشقایی با این تعداد جمعیت و طوایف متعدد، به یک‌باره به سرزمین فارس وارد نشده است، بلکه به‌نظر می‌رسد در برهه‌های گوناگون و از مکان‌هایی مختلف، به صورت دسته‌هایی بزرگ و کوچک آرام‌آرام به فارس کوچیده‌اند یا کوچانده شده‌اند و پس از سال‌ها سکونت در مناطق مختلف استان فارس، به خواست حکومت مرکزی زیر سلطه یک خان یا رئیس ایل درآمده‌اند و جبهه واحدی را برای دریافت مالیات و نیروی نظامی و انتظامی، تشکیل داده‌اند در گذر زمان، پیشرفت قدرت نظامی آنها رعب و وحشت در حکومت مرکزی ایجاد نموده و در طی سالیان متوالی با روش‌های سیاسی و نظامی، از قدرت آنها کاسته و به مرور زمان ضعیف شده‌اند (کیانی، ۱۳۷۱: ۱۴۸). مانند سایر اتحادیه‌های ایلی، ایل قشقایی نیز ترکیبی از طایفه‌ها، تیره‌ها و نژادهای گوناگون، از جمله کرد، ترک، لر و عرب است. این ایل از پنج طایفه بزرگ تشکیل شده که عبارتند از: عمله، شش بلوکی، دره شوری، کشکولی و فارسی‌مدان. هر طایفه نیز ۸۰-۷۰ تیره را در برمی‌گیرد. درباره وجه تسمیه قشقایی ابهامات و حدسیات گوناگونی وجود دارد. کیانی به نقل از مرسدن<sup>۱</sup> درباره ریشه قشقایی بیان می‌کند که: «نام قشقایی از فامیل شخصی به نام جانی آقا، از صاحب منصبان شاه عباس گرفته شده که وی از جانب شاه عباس به حکومت قبایل فارس مأمور می‌شود.» (کیانی، ۱۳۷۶: ۴۹). درداری نیز به نقل از بارتولد<sup>۲</sup>، شرق‌شناس روسی در مورد واژه مذکور می‌گوید: «در زبان ترکی غربی، واژه قاشقا به معنای خال سفید در پیشانی حیواناتی مثل اسب و گوسفند و گاو و امثال آن است. همچنین این لغت به معنی پهلوان پر دل و جرأت و ترس می‌باشد. شاید کلمه قشقایی مشتقی از این کلمه باشد، به خصوص اسب پیشانی سفید» (درداری، ۱۳۸۸: ۱۷).

افراد ایل به یکی از شاخه‌های گروه‌های زبانی ترکان که از لحاظ نسبی و تباری از گروه زبان‌های آلتایی محسوب می‌شود سخن می‌گویند. زبان‌هایی چون: فنلاندی، مجاری، اورالیک و زبان‌های ترکی، مغولی، منچو و تونقوز زبان‌های آلتائیک هستند که سخنگویان آنها از میان کوه‌های اورال و آلتایی در شمال ترکمنستان برخاسته و به نواحی مختلف مهاجرت نموده‌اند. در گروه زبان‌های ترکی، گونه‌هایی مختلف وجود دارند که از دیدگاه هیأت (۱۳۸۰: ۱۹-۲۰) مهمترین آنها شامل موارد زیر هستند: یاقوت‌ها،

1. Marsden

2. Bartold

چوداش‌ها، قرقیزها، قزاق‌ها، ترکان ترکستان شرقی یا ایغورها، ازبک‌ها، ترکمن‌ها، ترکان غازان، باشقرد، ترکان شمال قفقاز (قوموق - نوقای)، ترکان غرب ترکیه، آذربایجان، عراق و سوریه، ترکان کریمه، ترکان بالکان، اقاووزی‌ها یا گوگو اوغوزها (ترکان مسیحی رومانی)، ترکان آلتای، ترکان خاکاس - آباکان و ترکان سویون یا تووا. ترکی قشقایی در خانواده ترکی آذربایجانی قرار می‌گیرد. لهجه قشقایی، با آن که آذربایجانی محسوب می‌شود از آغوز خالص تر بوده و به لهجه آناتولی نزدیک‌تر است (همان). گویش ترکی قشقایی، شباهت بیشتری با زبان ترک‌های مرکزی ایران دارد و در بسیاری از موارد با ترکی آذربایجانی متفاوت است.

#### ۴. پیشینه پژوهش

در زمینه چیستان‌ها پژوهش‌های چندی صورت پذیرفته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد: شاملو در کتاب کوچه (۱۳۷۸) بسیاری از چیستان‌های عامیانه را گردآوری نموده است. سعیدی و اسماعیلی (۱۳۹۷) به «بررسی نقش حیوانات در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های عامیانه میناب» پرداخته‌اند. ذوالفقاری (۱۳۹۲) نیز به «ریخت‌شناسی چیستان‌های منظوم محلی» پرداخته است. فارسانی (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به چیستان‌های بختیاری»، تعدادی از چیستان‌های منطقه میزدج و منطقه شوراب را بررسی نموده است. شوهانی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به «طبقه‌بندی موضوعی چیستان‌های عامیانه ایلامی» پرداخته است. آباد، نوروزی و دامن سبز در پایان‌نامه‌ای با عنوان «لغز و معما در ادبیات عربی» ضمن ارائه تعریفی صریح از لغز و معما، سیر تطور این دو فن را در تاریخ ادبیات عربی بررسی نموده و به معرفی انواع آنها در ادبیات عربی پرداخته و همچنین فنون لغز و معما را در ادبیات فارسی و عربی مورد پژوهش قرار داده‌اند. در زمینه چیستان‌های ترکی قشقایی نیز نگارنده میرزایی (۱۳۹۶)، در کتابی با عنوان «قاشقایی تاپماجالاری (بو لماجالار) (مجموعه چیستان‌های فولکلور قشقایی)»، مجموعه‌ای از چیستان‌ها را گردآوری نموده است. علی‌رغم قدمت سنت چیستان‌گویی در میان اقوام و خرده‌فرهنگ‌های ایرانی و همچنین پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، این سنت هم‌اکنون رو به زوال و فراموشی است. در نوشتار پیش رو چیستان‌های ترکی قشقایی به لحاظ کارکرد موضوعی بررسی و طبقه‌بندی شده‌اند.

#### ۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و با تکیه بر کتاب *قاشقایی تاپماجالاری* (بو لماجالار) (مجموعه چیستان‌های فولکلور قشقایی)، تألیف (میرزایی، ۱۳۹۶)، انجام پذیرفته است. در روند انجام پژوهش ۳۲۰ تاپماجا (چیستان) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و بر اساس موضوع طبقه‌بندی گردیدند و تعدادی از آنها نیز در متن مقاله با توجه به طبقه‌بندی موضوعی‌شان مطرح شدند.

#### ۶. چیستان‌های ترکی قشقایی

جامعه عشایری ترکیبی از طوایف و تیره‌های گوناگون است که غالباً افراد یک طایفه و یا تیره در جوار یکدیگر اتراق می‌کنند و دارای وابستگی نسبی و سببی هستند. از زمان‌های دور افراد در شب‌های پاییز و

زمستان با حضور سالمندان و بزرگترهای خانواده گرد هم می‌آمدند و به اموری چون بازی‌های مرسوم، سرودن اشعار، نواختن ساز و یا بیان مثل و چیستان‌ها می‌پرداختند. چیستان‌گویی، از دیر باز در میان ترک‌زبانان قشقایی رایج بوده است زیرا آنها معتقد بوده‌اند که طرح مثل‌ها و چیستان‌ها نویدبخش باران و رزق الهی هستند. تا‌پماجا از جانب افراد با تجربه ایل و برگرفته از باورها و نگرش افراد ایل با به کارگیری تعبیر، استعاره‌ها، با ساختاری شعرگونه آمیخته با طنز گاهی نیز به صورت پرسش و پاسخ مطرح می‌شدند. ساختار چیستان‌ها به گونه‌ای بوده است که در ابتدا مفاهیمی چون استهزا، توهین و ناسزا را به ذهن متبادر می‌کردند اما پس از رمزگشایی و یافتن پاسخ رفع ابهام می‌شد. مطرح‌کنندگان چیستان‌ها بسته به میزان دشواری یا سادگی پاسخ‌های چیستان جایزه‌ای را که غالباً یک یا چند شهر بود برای فرد پاسخگو در نظر می‌گرفتند و حتی آن را در درون چیستان نیز مطرح می‌کردند. برای مثال در چیستان زیر روال در نظر گرفتن جوایز مطرح گردیده است: بند-بند مینگ بیر بند، مونو بیلنه قیرخ ایکی کند.

bænd- bænd miñ bir bænd munu bi:lænæ qirx i:kki kænd.

برگردان: بند بند هزار و یک بند هر کس این را بداند چهل و دو شهر به او تعلق می‌گیرد. جواب:

زنجیر

در حقیقت سازندگان چیستان‌ها، برآن بوده‌اند تا با ریزینی، نکته‌سنجی و با بیانی غیرمستقیم کودکان و جوانان را مخاطب قرار دهند و به آنها بیاموزند که در ورای هر کلامی مفهومی وجود دارد و آن چه اهمیت دارد اندیشیدن به فحوای کلام است نه صورت گفتار. در جهت نیل بدین مقصود گاه نیز با بهره‌گیری از اسباب غنای موسیقی درونی، تکرار آگاهانه یک صامت، مصوت و طرح چیستان‌های منثور تک‌پاره‌ای، دوپاره‌ای، چندپاره‌ای و گاه نیز با بهره‌گیری از جنبه‌های ادبی چون تناقض، بیان داستانی، تشبیه و استعاره و ... مخاطب را به تلاش ذهنی در جهت کشف روابط پنهان در کلام وا می‌دارد. غالب چیستان‌های قشقایی با اهداف و کارکردهای گوناگون چون: تفنن و سرگرمی، سنجش هوش، پرورش روحیه حاضر جوابی، آموختن اصول اخلاقی و ... ساخته می‌شدند. از مهمترین و پرکاربردترین موضوعات در چیستان‌های قشقایی بر اساس پاسخ آنها، می‌توان به انسان، روحيات و عواطف انسانی، گیاهان، و خوراکی‌ها، حیوانات و اجزاء حیوانی، عناصر و اجزاء طبیعت، علوم و معارف بشری، ابزار و محصولات بشری و امور روزمره اشاره نمود در واقع محوریت موضوعات چیستان‌ها بر نظام و آئین زندگی عشایری استوار است در ادامه به تفصیل به توضیح هر یک خواهیم پرداخت.

## ۶-۱- انسان، روحيات و عواطف انسانی

این‌گونه از چیستان‌ها بیشتر در بردارنده اعضای بدن انسان مانند چشم، گوش، زبان و ... یا روحيات و عواطف انسانی نظیر غم، پشیمانی و ... دیگر امور مربوط به انسان‌ها هستند. به نمونه‌هایی از کارکرد این موضوع در چیستان‌های قشقایی اشاره شده است:

مثال: ایکی سیغیر واریم، واری یئری اکیر، اوجا یئری اکمیر.

i:kki siqir varim, vari yeri ækir, udza yeri ækmæjr.

برگردان: دو تا گاو دارم همه جا را شخم می‌زنند به جز جاهای بلند جواب: دو تا چشم  
مثال: اوجاغا دوشر یانماز، سویا دوشر یاش اولماز.

odzaqa dyfær janmaz, suja dyfær jaf olmaz.

برگردان: در آتش می‌افتد نمی‌سوزد در آب می‌افتد خیس نمی‌شود. جواب: سایه انسان  
مثال: آدامدا وار آدی یوخ.

adam da var adi jox

برگردان: در انسان وجود دارد اما نام ندارد. جواب: گودی زیر بینی.

## ۶-۲- گیاهان و خوراکی‌ها

با توجه به نظام زندگی عشایر، کوچ فصلی آنها در بیلاق و قشلاق عشایر قشقای از گیاهان موجود در محیط پیرامون چون نخل، کنار، پسته کوهی و یا محصولات چمن گندم، جو و... که در فصول مختلف کشت می‌کنند و همچنین خوراکی‌های موجود و در دسترس در جهت ساخت این گونه چیستان‌ها بهره می‌جویند. برای مثال:

مثال: بیر ایل اکدیم، یئدی ایل بیچدیم.

bir i:l ækdim jedi i:l bitfdim

برگردان: آن چیست که یک سال می‌کارم و هفت سال درو می‌کنم؟ جواب: یونجه  
مثال: یوموروقچا یوواسی، قیرخ الی دیر جوجه‌سی.

jumuruqfa juasi, qirx æl:i dir jujæsi

برگردان: آن چیست که لانه‌اش به اندازه مشت دست است، و چهل پنجاه تا جوجه دارد؟ جواب: انار  
مثال: یئره ووردام قیریلر، ایچینده کی قیریلمز.

jæra vurdam qirilir, i:tfindæ ki qi:ri:lmæz

برگردان: آن چیست که به زمین می‌زنم می‌شکند، اما آنچه در درونش است نمی‌شکند؟ جواب:  
هندوانه

مثال: آغ حمام آغزی وورولو.

aq hamam aqzu vurulu.

برگردان: حمام سفید در بسته. جواب: تخم مرغ

مثال: آغ اکدیم، قیرمیزی گوردوم، گوی بیچدیم.

aq ækdim, qirmizi gærdum, gæj bi:tfdi:m

برگردان: سفید کاشتم، قرمز دیدم و سبز چیدم. جواب: بنه (پسته کوهی)

مثال: باغدان بیچدیم بیر دانا، ایچینده وار مینگ دانا.

baqdan bi:tfdi:m bir dana, i:tfi:ndæ var miŋ dana

برگردان: آن چیست که از باغ می‌چینم یک دانه، ولی درونش هزار دانه است؟ جواب: انار  
مثال: بازاردا قره دیر، اهوده قیرمیزی.



Bazarda qæræ dir, ævdæ qi:rmizi

برگردان: آن چیست که در بازار سیاه است و در خانه قرمز؟ جواب: چای  
 مثال: اوزو ساری زعفران تکین، ایچی آغ دیر اون تکین، اتورموشدور خان تکین.  
 yzu sari zæfæran tækin, i:ʃi: aq dir u:n tækin, otu:rmuʃ dur xan tækin.  
 برگردان: رویش زرد مثل زعفران است و درونش سفید مثل آرد و همانند خان نشسته است. جواب:  
 سنجد

مثال: اوزو دمیردیر، ایچی خمیردیر.

yzu dæmir dir, i:ʃi xæmir dir

برگردان: رویش از آهن است و درونش پر از خمیر. جواب: روغن نباتی  
 مثال: ایکی بال بیر بیره قاریشماز.

i:kki bal bi:r bi:ræ qari:ʃmaz

برگردان: دو عسل که با هم مخلوط نمی‌شوند؟ جواب: سفیده و زرده تخم مرغ  
 مثال: ایشیل- ایشیل ایشیلار، ایلان تکین فوشولار، فاییز واردیر یاز یوخدور، یاتدیگی یئر تورپاق دیر.  
 i:ʃ:il- i:ʃ:il i:ʃ:ilar, i:lan tækin fuʃular, faji:z vardir jaz joxdur, jatdigi jær torpaq  
 dir  
 برگردان: صیقلی است و برق می‌زند مثل مار صدا می‌دهد، در پاییز هست و در بهار نیست محل  
 خوابش خاک است. جواب: خربزه.

### ۳-۶- حیوانات و اجزای حیوانی

زندگی در دامان طبیعت و بهره‌گیری از حیوانات اهلی در جهت امرار معاش و همچنین وجود حیوانات و یا  
 پرندگان در محل زندگی آنها ذهن افراد را در جهت ساخت چیستان به سوی حیوانات موجود در محیط  
 اطراف سوق می‌دهد. به عنوان مثال:

مثال: آتی واردیر، قانی یوخ.

æti vardir, qani jox

برگردان: آن چیست که گوشت دارد ولی خون ندارد؟ جواب: مورچه  
 مثال: قیج یوخودور یول گندیر.

qijʃ joxudur jol gëdir.

برگردان: آن چیست که پا ندارد ولی راه می‌رود؟ جواب: مار  
 مثال: اوبا کؤچدو، ساری کلفه قالدی یورتدا.

oba kyʃdu, sari kælæfæ qaldi jurtda

برگردان: ایل کوچ کرد ولی کلافه زرد روی زمین ماند. جواب: ادرار الاغ  
 مثال: اوتای کمر، بوتای کمر، مادی یان دورار، قولون امر.

o taj kæmær, bu taj kæmær, madijan durar, qolun æmær.

برگردان: در دو سمت آن کوه (صخره) است و در این میان مادیانی کره خود را شیر می‌دهد. جواب: عسل و زنبور عسل.

مثال: داغدان گلر داغ کیمین، قوللاری بایداق کیمین، اهیبیلر کی سو ایچه، چیغیرر اوغلاق کیمین.  
daqdan gælær daq kimin, qol:ari bajdaq kimin, æjjilær su: i:ʃæ, ʃi:qi:rær oqlaq kimin

برگردان: از کوه می‌آید مثل کوه، بازوانش مثل بیرق است. خم می‌شود که آب بنوشد مثل بزغاله صدا می‌دهد. جواب: زنبور.

گاه پدیدآورندگان چیستان از نمادها، رموز و تمثیل در جهت تجسم‌بخشی و تصویرسازی معانی گوناگون بهره می‌جویند در مثال حاضر گوینده با بهره‌گیری از آرایه تشبیه در جهت تبیین و توجیه هرچه بهتر مفهوم مورد نظر خود و از تعابیر تشبیهی چون کوه که به زعم انسان نماد استواری، صلابت، قدرت و شکوه است و بیرق و صدای بزغاله بهره جسته است.

#### ۶-۴- عناصر و اجزای طبیعت

خالق این گروه از چیستان‌ها از جلوه‌های طبیعت و مظاهر گوناگون آفرینش چون ماه، خورشید، زمین، آسمان و... در جهت خلق چیستان‌ها بهره گرفته است. وی خصوصیات هریک از این عناصر را به کنایات و اشارات گوناگون بیان می‌کند و از این رهگذر مخاطب را در جهت یافتن پاسخ صحیح به تامل وادار می‌دارد. به نمونه‌هایی از چیستان‌های این گروه اشاره شده است:

مثال: بوردا آتدیم قیلیجی، حلبده اوینار اوجو.

burda atdim qilidzi, hælæb dæ ojnar u:dzu

برگردان: شمشیر را اینجا جنباندم نوکش در حلب به رقص در آمد. جواب: رعد و برق

مثال: گئجه باخدیم چوخودو، سحر باخدیم یوخودو.

gædʒæ baxdim ʃoxudu, sæhær baxdim joxudu

برگردان: آن چیست که شب نگاه کردم زیاد بود صبح نگاه نکردم چیزی نبود؟ جواب: ستاره

مثال: دمی بیشمیش، آردی خام.

dæmi bi:ʃmi:ʃ ardi xam

برگردان: ابتدایش پخته است انتهایش خام. جواب: هیزم نیم سوخته

مثال: ایکی تایی واریم بیر بیرچز.

i:kki tap:i varim bir bir ʃæz

برگردان: دو تا نان دارم اندازه یکدیگر. جواب: آسمان و زمین

مثال: ایکی کاکا هرنه گئدیر، بیر بیره چاتمیر.

i:kki kaka hærnæ gædir, bir biræ ʃatmejr

برگردان: دو برادر که هرچه می‌روند به یکدیگر نمی‌رسند. جواب: ماه و خورشید

مثال: آغ تاس، قیزیل تاس، بیرینی گۆتور، بیرینی باس.

aq tas, qizil tas, bi:rini gœtur, bi:rini bas

برگردان: تشت سفید، تشت سرخ، یکی را بردار دیگری را بگذار. جواب: ماه و خورشید.

### ۶-۵- علوم و معارف بشری

هدف از ساخت اینگونه چیستان‌ها آموزش مسائل علمی، فنون و مهارت‌های گوناگون به گونه‌ای غیرمستقیم است که غالب مخاطبان آن کودکان و نوجوانان هستند. گاهی نیز فرد در پی آن است تا دقت حواس، وسعت اندیشه و میزان تسلط فرد را بر علوم و مسائل گوناگون بیازماید. چیستان‌های این گروه غالباً مشتمل بر مفاهیمی چون: سال، روز، ماه و مسائل دینی چون: نماز، روزه و امور مربوط به مرگ است. در اینگونه چیستان‌ها از مفاهیم ملموس در جهت یافتن پاسخ برای امور انتزاعی بهره می‌گیرند تا اذهان را در جهت تفکر در باب امور انتزاعی سوق دهند. با توجه به اینکه در چیستان‌ها اغلب به موضوعاتی با محوریت امور عینی و ملموس پرداخته می‌شود، چیستان‌هایی از این دست به دلیل ماهیت انتزاعی‌شان کمتر مجال ظهور می‌یابند (شوهانی، ۱۳۹۳). توجه به امور عینی و محسوس را به دلایلی چون «فراوانی و کثرت امور محسوس نسبت به امور انتزاعی و غیرمحسوس و آگاهی و شناخت عامه مردم از امور محسوس و توانایی آنان در پیش‌بینی و تخمین جواب چیستان» می‌داند؛ بنابراین یافتن پاسخ برای اینگونه چیستان‌ها غالباً دشوار است. به نمونه‌هایی از چیستان‌های قشقایی اشاره گردیده است:

مثال: اون ایکی اون اوچ اولماز، هانی ایکی اوچ اولماز؟

on i:kki on yf olmaz, hani i:kki yf olmaz?

برگردان: آن کدام دوزاده است که سیزده نمی‌شود و کدام دو است که سه نمی‌شود؟ جواب: دوزاده ماه سال و شبانه روز

مثال: درویشم گلمیشم اهو قاپیسینا، وئرنگ آلام وئر میرنگ آلام.

dærvifæm gælmifæm æv qapisina, vëræn almam vërmejæn alaram

برگردان: درویشی هستم که به در منزلتان آمده‌ام بدهی نمی‌گیرم ندهی می‌گیرم. جواب: عزرا بیل  
مثال: بش تن دیر، دورد نفسدیر، سکیز قیج.

bəf tən dir, dœrd nəfəs dir, sək:iz qij

برگردان: پنج تن، چهار نفس، هشت پا. جواب: یک میت و چهار نفر زنده که آن را حمل می‌کنند.  
مثال: الیف بیردیر، لام ایکی، پایلا بیردیر، جام ایکی، هانی قوشدور او قوشدان، یومورتاسی اون ایکی.

ælif bi:r dir lam i:kki, pajla bi:r dir, dʒam i:kki, hani qufɖur o qufɖan. jumurtasi on i:kki

برگردان: الف یکی است و لام دوتا، پیاله یکی است و جام دوتا، آن کدام پرنده است که دوزاده تخم در لانه دارد؟ جواب: سال.

### ۶-۶- ابزار و محصولات بشری

این گروه که گستره وسیعی از چیستان‌ها را به خود اختصاص داده است، مربوط به دست‌سازه‌های بشری، ابزار مورد نیاز در جهت گذران زندگی ایلی می‌باشد. با توجه به گسترش شهرنشینی و همچنین پیشرفت

روزافزون ابداعات بشر بسیاری از ابزارهای مطرح شده در چیستان‌ها برای نسل حاضر ناکارآمد و حتی ناآشنا تلقی می‌شوند. به عنوان مثال:

مثال: دونیایی بزر، اؤزو لوت گزر.

dunjaji bæzær, œzy lyt gæzær

برگردان: آن چیست که دنیا را زینت می‌دهد ولی خودش لخت می‌گردد؟ جواب: سوزن

مثال: باشی یانار، دیبی قاینار.

bafî janar, dibi qajnar

برگردان: آن چیست که سرش می‌سوزد و پایینش به جوش می‌آید؟ جواب: قلیان

مثال: ایچی دولو قان تکین، اوتورموشدور خان تکین.

i:tf:i dolu qan tækin, oturmuşdur xan tækin

برگردان: درونش مثل خون است و همانند یک خان تکیه داده نشسته است. جواب: قوری چای

مثال: بیر سیغیر واریم، قیرخ جول واری.

bi:r siqir varim, qirx dzu:l vari

برگردان: گاوی دارم که چهل جل دارد. جواب: تابه نان پزی

مثال: بیز بیزیدیگ، یوز قیزیدیگ، بیزی اوزدولر، بیر بیره دوزدولر.

biz bizidig, jyz qi:zidig, bi:zi yzdyælær, bir biræ dyzdyælær

برگردان: ما با هم بودیم، صد تا دختر بودیم، ما را بریدند و به هم وصل نمودند. جواب: نی بافته شده

مثال: الیم اینن اکهرم، دیلیم اینن بیچرم.

ælim i:næn ækæræm, dilim i:næn bi:tfæræm

برگردان: آن چیست که با دستانم می‌کارم و با زبانم می‌چینم؟ جواب: نامه

مثال: گوئوردوم خالی، قویدوم دولو.

gœturdum.xali, qojdum.dlu.

برگردان: بر می‌دارم خالی است می‌گذارم پر است. جواب: کلاه

مثال: گزر، گلر، آغزی کوپ دوشر.

gæzær gælær, aqzi ku:p duşær

برگردان: می‌گردد، می‌آید و خسته و کوفته می‌افتد. جواب: کفش

مثال: اوچ اویونچو، اون ایکی تاماشاچی.

yş ojunşu, on i:kki tamafşî

برگردان: سه بازیگر دوازده تماشاگر. جواب: ساعت و عقربه‌هایش

مثال: اوچ اؤکوز بیر گووددا.

yş œku:z bi:r goud da

برگردان: سه گاو در یک کنار یک گودال قرار دارند. جواب: سه سنگ که حالت سه پایه برای

اجاق دارد.

در مثال حاضر منظور از گودال، چاله‌ای است که برای پختن غذا حفر می‌کنند و منظور از سه گاو نر، سه عدد سنگ که حالت سه پایه دارد و در جهت تنظیم فاصله و ارتفاع میان ظرف و آتش در کنار چاله قرار می‌گیرد و نوعی نگهدارنده ظروف بر روی آتش محسوب می‌شود.

مثال: آلاهیینگ امریندن، بنده‌نینگ فعلیندن، بیر الی اوزالی، بیر الی بتلینده.

allahin æmrindæn, bændæ niŋ feʔlindæn, bir æli u:zali, bir æli bældæn

برگردان: به امر خداوند و از کار بنده خدا، یک دستش دراز است و دست دیگرش بر کمر. جواب:

آفتابه.

## ۷- امور و فعالیت‌های روزمره

این گروه از چیستان‌ها مشتمل بر فعالیت‌های مختص زندگی عشایری مانند مشک‌زدن، نان‌پختن، تهیه کردن خمیر نان، چادر بر پا کردن و... است.

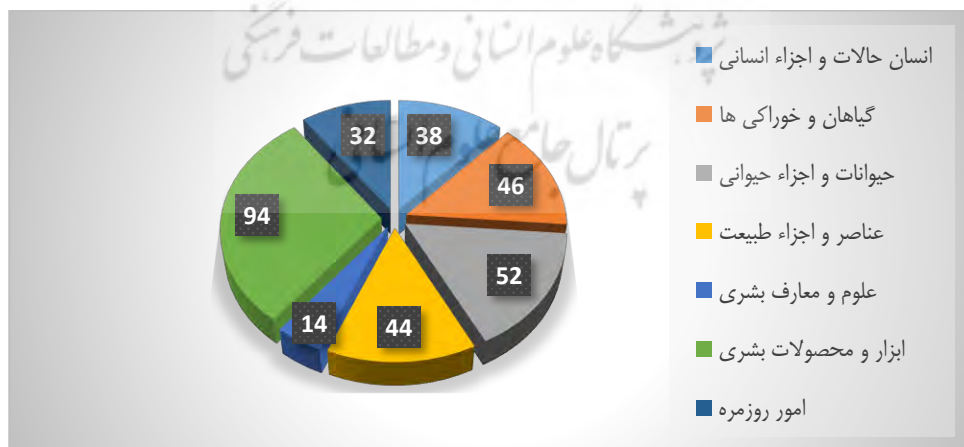
مثال: دوم دومولار، هئیوا چالار، نار اوینار.

dum dumular, hejva ʃalar, nar ojnar

برگردان: صدای دم‌دم می‌آید، به می‌نوازد و انار می‌رقصد. جواب: مشک‌زدن زن ایلپاتی

در مثال حاضر، گوینده با قدرت خیال شاعرانه، بهره‌گیری از تعبیر تشبیه‌ی و البته کلامی مبهم ذهن مخاطب را به کنکاش وامی‌دارد و یکی از تجارب روزمره زندگی ایلپاتی را با نمادپردازی آمیخته با رمز و راز، به زیبایی تمام به تصویر می‌کشد. وی صدای مشک را به صدای نقاره، زن ایلپاتی را به هئیوا و محتویات داخل مشک را به انار مانند کرده که با هر حرکت مشک به رقص در می‌آیند.

در این پژوهش پس از بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها، میزان فراوانی موضوعات موجود در چیستان‌های گویش ترکی قشقایی به دست آمد. در نمودار زیر توزیع کلی میزان فراوانی موضوعات یافت شده در پیکره زبانی چیستان‌های ترکی قشقایی ترسیم شده است.



نمودار ۱. میزان فراوانی کارکردهای موضوعی چیستان‌های موجود در گویش ترکی قشقایی

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که از مجموع ۳۲۰ چیستان مورد بررسی، چیستان‌هایی با موضوع ابزار و محصولات بشری با تعداد ۹۴ مورد بیشترین کاربرد را در چیستان‌ها به خود اختصاص داده است و چیستان‌هایی با محوریت موضوعی علوم و معارف بشری با ۱۴ مورد کمترین کاربرد از این آمار را به خود اختصاص داده است.

### ۸- نتیجه‌گیری

شواهد کلی از بررسی چیستان‌های ترکی قشقایی موسوم به تایماجا نشان می‌دهد که آنها با اهدافی چون تفنن و سرگرمی، سنجش هوش، پرورش روحیه حاضر جوابی، آموختن اصول اخلاقی و... خلق می‌شوند. ساختار چیستان‌ها در ابتدای امر به گونه‌ایست که مفاهیمی چون استهزاء، توهین و ناسزا را به ذهن متبادر می‌سازد اما پس از رمزگشایی و یافتن پاسخ، رفع ابهام می‌گردد. موضوعات عمده چیستان‌های قشقایی متناسب با اجزای سازنده‌شان شامل: انسان، روحيات و عواطف انسانی، گیاهان، و خوراکی‌ها، حیوانات و اجزاء حیوانی، عناصر و اجزاء طبیعت، علوم و معارف بشری، ابزار و محصولات بشری و امور روزمره هستند که از این میان موضوعاتی چون ابزار و محصولات بشری با ۹۴ مورد و پس از آن حیوانات و اجزاء حیوانی با ۵۲ مورد، بیشترین و علوم و معارف بشری با ۱۴ مورد، کمترین کاربرد موضوعات مربوط را در میان چیستان‌های قشقایی به خود اختصاص داده‌اند. با نگاهی بر پژوهش انجام شده توسط شوهانی (۱۳۹۲) در زمینه «طبقه‌بندی موضوعات چیستان‌های عامیانه ایلامی»، در می‌یابیم بیشترین کاربرد مربوط به چیستان‌های عامیانه ایلامی در گروه چیستان‌هایی با موضوع عناصر و اجزاء طبیعت بوده که با نتایج پژوهش حاضر مطابقت ندارد از سوی دیگر کمترین کاربرد مربوط به چیستان‌هایی با موضوع علوم و معارف بشری است و با نتیجه جستار پیش رو کاملاً منطبق است. با توجه به نتایج حاصل شده از بررسی چیستان‌های قشقایی می‌توان چنین استدلال کرد که:

- زندگی کوچ‌نشینان عشایر با طبیعت عجین شده است آنها در فصول گوناگون در جهت یافتن مراتع و منابع طبیعی از دل کوه‌ها و دشت‌ها و رودخانه‌ها عبور می‌کنند و سرانجام پایه‌های چادرهایشان را در دامان طبیعت زیر سقف آسمان بنا می‌نهند. روزها با طلوع خورشید فعالیت‌های روزمره خود را آغاز می‌کنند آب را از چشمه‌سارها و هیزم و مواد غذایی‌شان را به طرق گوناگون از طبیعت فراهم می‌آورند و شب‌ها در زیر نور ماه بار دیگر گرد هم می‌آیند. الهام از طبیعت در ترانه‌ها، تصنیف‌ها و صنایع دستی عشایر کاملاً مشهود است. لذا تدبر در باب جلوه‌های حیات و همچنین منشاء، ماهیت و مختصات عناصر طبیعی خود می‌تواند توجیهی باشد بر کاربرد این دسته از موضوعات در میان چیستان‌های قشقایی.

- افراد ایل از ابزار مختص به زندگی عشایری و متناسب با شرایط کوچ عشایر چون: سیاه‌چادر، مشک و به ویژه صنایع دستی چون گلیم و جاجیم که هنر زنان ایل است بهره می‌گیرند. لذا بهره‌گیری از ابزار و محصولات ساخته دست بشر در جهت پیشبرد اهداف گوناگون را می‌توان توجیهی بر وجود طیف وسیعی از چیستان‌ها با موضوع ابزار و محصولات بشری دانست.

- وجود چیستان‌هایی با محوریت علوم و و معارف بشری در میان چیستان‌های قشقایی از یک سو مؤید تاکید مستمر ترک‌زبان‌های قشقایی بر علم‌آموزی و اهمیت تسلط بر معارف گوناگون بوده و از سوی دیگر مبین تلاش انسان در جهت درک امور انتزاعی و ناملموس می‌باشد.

- گیاهان نقشی محوری در زندگی کوچ‌نشینان عشایر دارند زیرا دلیل اصلی کوچ آنها یافتن مراتع مناسب برای تأمین علوفه دام‌ها است از سوی دیگر دوری از مراکز درمانی آنها را بر آن می‌دارد تا در جهت التیام آلام گوناگون، به گیاهان در جهت مصارف دارویی روی آورند آنها با بهره‌گیری از تجارب پیشینیان و همچنین آزمون گیاهان به طرق گوناگون ویژگی‌های هر یک را کشف و به خواص هر کدام پی‌برده‌اند. از سوی دیگر، زنان ایل به بافندگی اشتغال دارند و از گیاهانی چون جاشیر، بلوط، وسمه و... در جهت رنگرزی الیاف بهره می‌گیرند. بنابراین دور از انتظار نیست که موضوعاتی از این دست در چیستان‌های قشقایی تبلور یابد.

- شغل اصلی کوچ‌نشینان قشقایی دامداری است. در واقع زندگی آنها در تمامی ابعاد به دام و تولیدات دامی وابسته است و دامداری سایر فعالیت‌های زندگی عشایری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد بنابراین در اقتصاد زندگی عشایری نقش به‌سزایی ایفا می‌کند از جهت دیگر، بهره‌وری از حیوانات اهلی و همچنین وجود حیوانات وحشی می‌تواند دلایلی باشند بر کثرت استعمال چیستان‌هایی مرتبط با حیوانات.

- تلاش انسان در جهت بیان روحيات، عواطف و احساسات، از یک سو و سعی در شناخت و کارکرد بدن انسان از سویی دیگر، دلیل وجود موضوعاتی است با محوریت انسان، روحيات و عواطف انسانی در میان چیستان‌های ایل قشقایی.

- تلاش در جهت بیان حقایق و تجارب زندگی، رویدادهای واقعی یا خیالی با تحلیلی هنرمندانه، می‌تواند دلیلی باشد بر وجود چیستان‌هایی با محوریت امور روزمره در میان چیستان‌های قشقایی.

بدین ترتیب عواملی چون قدرت خیال، خلاقیت در یافتن تشابهات و همانندی‌های پیش‌بینی نشده میان موضوعات گوناگون و علم به مباحث پیرامون در پیدایی چیستان‌هایی با بن‌مایه‌های مطرح شده نقش به‌سزایی داشته‌اند. در واقع آنچه که در قالب چیستان مطرح می‌شود هیئت‌ی است از افکار آداب و سنن و سبک زندگی عشایری که با اندکی غور و تفحص می‌توان بر آنها پی‌برد.

### کتابنامه

آباد، مرضیه، علی نوروزی، فرزانه دامن سبزی، (۱۳۹۰)، *لغز و معما در ادبیات عربی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، -دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی.

اسماعیلی، محبوبه، سهراب سعیدی، (۱۳۹۷)، «بررسی نقش حیوانات در ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های عامیانه میناب»، *فصلنامه اورمزد*، دوره ۱۱، شماره ۴۳.

امام اهوازی، محمدعلی (۱۳۷۹)، *چیستان‌نامه دزفولی*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۱)، *سخن‌های دیرینه (سی گفتار درباره فردوسی و شاهنامه)*، تهران: افکار.

- درداری، نوروز (۱۳۸۸). *تاریخ اجتماعی سیاسی ایل بزرگ قشقایی*، شیراز: انتشارات قشقایی.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲)، «ریخت‌شناسی چیستان‌های منظوم محلی»، *دو فصلنامه فرهنگ و ادب عامه*، دوره یک، شماره یک، صص ۹۳-۱۱۸.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۶)، *زبان و ادبیات عامه ایران*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها (سمت).
- رازی، شمس‌الدین محمد بن قیس (۱۳۷۳)، *المعجم فی معاییر اشعار المعجم*، به کوشش سیروس شمیسا، ج۲، تهران: زوار، چ اول.
- رنجبر، حسن (۱۳۹۸)، «طبقه‌بندی موضوعی چیستان‌های لای زنگان داراب بر اساس ژرف ساخت»، *فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*، دوره جدید سال پنجم، شماره دوم، شماره پیوسته ۲۴، صص ۱۷-۳.
- سارو خانی، باقر (۱۳۷۰)، *درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیهان دوم.
- شاملو، احمد (۱۳۷۸)، *کتاب کوچک*، تهران: مازیار.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۹)، *انواع ادبی*، تهران: میترا.
- سوهانی، علیرضا (۱۳۹۳)، «طبقه‌بندی موضوعی چیستان‌های عامیانه ایلامی»، *دو فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، سال ۲، شماره ۴، صص ۱۳۵-۱۵۸.
- عمرانی، ابراهیم (۱۳۸۱)، *لالایی‌های ایران*، تهران: پیوند نو.
- فارسانی، محسن (۱۳۹۳)، «نگاهی به چیستان‌های بختیاری»، *ایران نامگ*، سال ۲۹، شماره ۲، صص ۱۴۴-۱۲۲.
- کیانی، منوچهر (۱۳۷۶)، *سیاه‌چادرها*، شیراز: کیهان نشر.
- منوچهری، احمدبن قوص. (۱۳۹۰). *دیوان*، به کوشش دبیر سیاقی، چ ۷، تهران: زوار.
- میرزایی، ارسلان (۱۳۹۶)، *قاشقایی تابماجالاری (بولماجالار) (مجموعه چیستان‌های فولکور قشقایی)*، چ اول، شیراز: یاشیل آما.
- هیأت، محمدجواد (۱۳۸۰)، *سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی*، تهران: نشر پیکان.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۸)، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران: هما، چ شانزدهم.
- یوسفی، امرالله و دیگران (۱۳۹۰)، *قوم قشقایی*، شیراز: چ اول.